

المُسْتَعَان

فِي

إِعْرَابِ الْقُرْآنِ

الْجُزْءُ الْخَامِسُ عَشَرَ وَ الْجُزْءُ السَّادِسُ عَشَرَ

الْمَجْدُ الثَّامِنُ

مَوْسُوعَةٌ صَرْفِيَّةٌ، نَحْوِيَّةٌ وَ لُغَوِيَّةٌ تَتَنَادَى الْقُرْآنَ الْكَرِيمَ
بِرُوسِي صَرْفِيٍّ، نَحْوِيٍّ وَ لُغَوِيٍّ وَازِهِ هَايَ قُرْآنِ كَرِيمِ

عَرَبِيٍّ، فَارْسِيٍّ

تَأْلِيفُ:

الدُّكْتُورُ سَيِّدُ رِضَا نَجْفِي

أَسْتَاذُ جَامِعَةِ إِصْفَهَانَ

سرشناسه:

عنوان و نام پدید آور:

مشخصات نشر:

مشخصات ظاهری:

شابک:

نجفی، سید رضا، ۱۳۴۱-

المستعان فی اعراب القرآن/ تالیف سید رضا نجفی.

اصفهان: کتابنامه نجف، ۱۳۹۲-

ج ۴۶۶ ص.

دوره: 5-0-978-964-94070-5 ج ۱: 5-2-978-600-94815-2 ج ۱: 1-2-978-600-94815-2
ج ۳: 4-5-978-600-94815-8 ج ۴: 3-8-978-600-94815-8 ج ۵: 0-9-978-600-94815-9
ج ۶: 6-7-978-600-94815-7 ج ۷: 0-7-978-600-96673-1 ج ۸: 4-1-978-600-96673-1
ج ۹: 2-1-978-600-96673-2 ج ۱۰: 8-3-978-600-96673-3 ج ۱۱: 5-4-978-600-96673-4
ج ۱۲: 2-5-978-600-96673-5 ج ۱۳: 9-6-978-600-96673-6 ج ۱۴: 8-3-978-600-94815-3
ج ۱۵: 9-6-978-600-94815-6

قاپا

عربی.

وضعیت فهرست نویسی:

یادداشت:

یادداشت:

یادداشت:

یادداشت:

یادداشت:

یادداشت:

مندرجات:

Sayed Reza Najafi. Al-Mosta'an fi erabe ...

پشت جلد لاتینی شده: ... (چاپ اول: ۱۳۹۵ (فیا)).

ج ۸-۱۱ (چاپ اول: ۱۳۹۶ (فیا)).

کتابنامه.

نمایه.

ج ۱. جزء ۱. سورة الحمد و سورة البقرة - ج ۲. جزء ۳ و ۴: سورة البقرة - سورة النساء - ج ۳. جزء ۵ و ۶: سورة النساء - سورة
المائدة - ج ۴. جزء ۷ و ۸: سورة المائدة - سورة النور - ج ۵. جزء ۹ و ۱۰: سورة المائدة - سورة النور - ج ۶. جزء ۱۱ و ۱۲: سورة النور -
سورة قیوسف - ج ۷. جزء ۱۳ و ۱۴: سورة قیوسف - نمل - ج ۸. جزء ۱۵ و ۱۶: سورة الاسراء - طه - ج ۹. جزء ۱۷ و ۱۸: سورة لیاة -
فلق -

ج ۱۰. جزء ۱۹ و ۲۰: سورة فرقان - عنکبوت - ج ۱۱. جزء ۲۱ و ۲۲: سورة عنکبوت - یس - ج ۱۲. جزء ۲۳ و ۲۴: سورة یس - صافات -
ج ۱۳. جزء ۲۵ و ۲۶: سورة شورى - زمر - ج ۱۴. جزء ۲۷ و ۲۸: سورة الزلزال - الحزیم - ج ۱۵. جزء ۲۹ و ۳۰: سورة الطلک - سورة التلس

و ان - - صرف و نحو

Quran - -

ن - - اد اب

Qu. - - D'entit

BP ۸ - -

۲۷/۱۵۳

۳۳۴۷۸-۸

موضوع:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

رده بندی کنگره:

رده بندی دیویی:

شماره کتاب شناسی ملی:



- نام کتاب:المُستعان فی اعراب القرآن - المجلد الثامن
- مؤلف:دکتر سید رضا نجفی
- صفحه آرا:عباسعلی ربانی
- نوبت چاپ و سال انتشار:چاپ اول - ۱۳۹۶
- شمارگان:۱۰۰۰
- ناشر:کتابنامه نجف
- چاپ و صحافی:نگار اصفهان
- شابک جلد هشتم:۹۷۸-۶۰۰-۹۶۶۷۳-۱-۴
- شابک دوره ۱۵ جلدی:۹۷۸-۹۶۴-۹۴۰۷۰-۵-۰

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

مرکز فروش: اصفهان، میدان آزادی، خیابان هزار جریب، فروشگاه کتاب جهاد دانشگاهی اصفهان تلفن: ۰۳۱-۳۷۹۳۲۰۸۶

تماس با ناشر - مؤلف: ۰۹۱۳۱۱۵۰۶۱۸ پست الکترونیکی: rezanajafi84@yahoo.com

فهرست مطالب

مقدمه ۵

سُورَةُ الْاِسْرَاءِ ۱۱

سُورَةُ الْكَهْفِ ۱۳۹

سُورَةُ مَرْيَمَ ۲۶۸

سُورَةُ طه ۳۴۸

فهرس المصادر و المراجع ۴۶۳

www.ketab.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

حمد و سپاس خدای تعالی را که قرآن را با بیان: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ از تحریف و تبدیل حفظ نمود و درود بی کران خدا بر پیامبر اعظم که وی را ندید و رحمت و سراج منیر و هادی جهانیان قرار داد. ماسنانا و دانشمندان علوم اسلامی از صدر اسلام به حفظ قرآن در صدور و محافظت برآن در سطور همت گماردند و علما در هر عصر و زمانه، برای کشف معانی قرآن و پرده برداشتن از رمز و رازهای آن و شناخت آن معنی بلند بدان روی آوردند، بعضی به تفسیر آیات و احکام و اسباب نزول پرداختند و بعضی به تجوید و قرائات و مدحی به تلاوت قرآن و اعجاز بلاغی آن روی آوردند. همان گونه که بعضی برای دریافت عبرت ها، به قصص و اسان قرآن توجه نمودند، برخی نیز برای فهم لطائف و اشارات به اعراب قرآن و بیان مشکلات اعرابی یا صرفی و نحوئی آن همت گماردند.

اعراب در لغت به معنای روشن و آشکار ساختن است و اعراب در اصطلاح نحویان عبارت است از روشن ساختن کلام برای مخاطب به گونه ای که در آن خطایی نباشد، ابن هشام اعراب را اثری ظاهر یا مقدر می داند که عامل در آخر اسم متمکن آشکار می سارد. بهر حال ابن مالک، اعراب را پدیده ای لفظی دانسته اند که به صورت حرکت، حرف، سکون یا حذف در آن کلمه ظاهر می شود. اما بیشتر محققان، اعراب را پدیده ای معنوی دانسته اند که حرکات و سکانات دلیل بر آن است.

بر اساس معنای اصطلاحی، اعراب منحصر به صدای آخر کلمات است، اما بر پایه ی معنای لغوی همه ی حروف کلمه، دارای وصف اعراب است. شاید بعضی از روایاتی که دعوت به راگتن اعراب در زبان عربی دارد ناظر به همین معنی باشد؛ آنجا که نبی مکرم اسلام (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرمود: أَعْرَبُوا الْقُرْآنَ وَ التَّمَسُّوا غَرَائِبهَ، ظاهراً مراد از اعراب تلفظ صحیح و واضح الفاظ است و در روایت دیگری فرمود: أَعْرَبُوا الْكَلَامَ كَمَا تُعْرَبُوا الْقُرْآنَ. در این کلام نیز، مراد تلفظ صحیح حرکت آخر کلمه و هم تلفظ همه حروف و صداها ی هر واژه می باشد.

غالباً حرکات اعرابی نقش اصلی را در تفاهم و بیان معنای مقصود گوینده بر عهده دارد، به گونه ای که هر گونه تغییر در اعراب به تغییر در معنای جمله می انجامد. از این رو اعراب هزار زبان عربی بوده است، اما دانش اعراب به ویژه اعراب قرآن از دامن قرآن کریم برخاسته و تاریخ آن به دوره پس از نزول قرآن بر می گردد.

بر پایه‌ی روایات مُتَشَنّ اسلامی، نخستین بار علام اعرابی، در قرآن کریم به کار رفته است، أَبُو الْأَسْوَد دُوْلِی (م. ۶۹۰ق) به اشاره امام علی (علیه السلام) و با کمک یحیی بن یَعْمَر، آغازگر اعراب‌گذاری قرآن کریم بوده است. در نخستین اعراب‌گذاری به معنای تعیین صدای کلمات، که بسیار ساده و ابتدایی بود، از نقطه استفاده شد. برای علامت‌فَتْحه، نقطه‌ای در بالای حرف و برای کسره نقطه‌ای در زیر حرف و برای ضمه نقطه‌ای در جلوی حرف قرار دادند و برای تنوین از دو نقطه و با رنگ‌های مختلف استفاده شد. بی‌شک أَبُو الْأَسْوَد غرضی جز پیشگیری از خطای نو مسلمانان و حفظ زبان عربی نداشت، همان کسانی که در اثر فتوحات و در آمیختن با عجم بیم آن می‌رفت که زبانشان رفته رفته دچار الحراف گردد.

نقطه‌های اعرابی پس از حدود یک قرن به دست خلیل بن أحمد قُرَاییدی (م. ۱۷۵ق) به صورت شکل‌های * منف درآمد و به تدریج به شکل امروزی تثبیت شد. در نیمه دوم قرن دوم رفته رفته با تحوّل در اعراب قرآن مواجه شدیم، دشمنانی همچون عبدالله بن ابی اسحاق، ابو عمرو بن غلاء، عیسی بن عُمَر ثَقَفی، یونس بن حَبِیب به تحلی و تبیین نقش‌های کلمات در آیات قرآن پرداختند و برجسته‌ترین دانشمندان این دوره سیبویه است؛ وی در "الکتاب" که نخستین کتاب در نحو عربی است، در ضمن تدوین قواعد نحو، به تبیین و تحلیل نقش نحوی کلمات قرآن پرداخته است. گفتنی است که سیبویه در "الکتاب" به ۴۱۳ آیه قرآن کریم در مباحث سوناگان نحو استشهد کرده است.

با ظهور سیبویه و اثر برجسته‌اش "الکتاب"، مکتب نحوی بصره شکل گرفت؛ از جمله ویژگی‌های بارز این مکتب، قانونمند کردن قواعد نحو و روی آوردن به قیاس در نحو عربی است، و با این رویکرد قواعد منضبط، محدود و در نتیجه سهل و آسان شد. و در مقابل این مکتب، مکتب پیشوایی کسایی (م. ۱۸۹ق) پدید آمد، این گروه بیشتر به نقل و سماع توجه داشتند. به هر روی نحو بصره از اعتبار بیشتری برخوردار گشت و تقریباً به عنوان نحو معیار، پیروان بیشتری را به خود جلب کرد. یکی از دلایل پی‌تاری نحو بصره و تقدّم آن بر نحو کوفه، متهم شدن نحو کوفه به استناد و استدلال به لهجه‌های غیر فصیح بود. در اواسط سده سوم هجری قمری، شاهد ظهور مکتب نحو بغداد هستیم که تلفیقی از دو مکتب نحو بصره و کوفه است. در حقیقت باید آن را حد اعتدال این دو مکتب دانست؛ دانشمندی چون ابن خالَوَیْه، ابن دُرُسَوَیْه، ابن جُتّی، رُحّاج و زُحَشری به آن گرایش داشتند و دانشمندان مکتب اندلس، بیشتر به تدوین کتب دستوری زبان عربی اهتمام ورزیدند.

جایگاه و نقش مهم اعراب قرآن سبب شد که دانشمندان پس از قرن دوم به طور گسترده به تحقیق و تألیف در این دانش بپردازند، ظاهراً برای نخستین بار أَبُو جَعْفَر رُوَاسی از اصحاب امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) هم که استاد کسایی و قرّاء بود، کتابی به عنوان اعراب القرآن نگاشت.

طَبْرَسِي اعراب قرآن را برترین علم از علوم قرآن معرفی کرده است، زیرا هر بیانی به آن نیازمند و کلید گشودن معنای عبارات است و بدون آگاهی از آن، مراد خدا ناممکن است. و بعضی مانند ابن هشام و شیوطی و زَرَكْشِي اعراب را فرع بر فهم معنا می‌دانند و معتقدند نخست باید فهم صحیحی از آیات به دست آورد، سپس بر طبق معنا اعراب آیه را بیان کرد. این در حالی است که در موارد بی‌شماری فهم صحیح آیه بر نوع اعراب آن مبتنی است و موارد فراوانی نیز یافت می‌شود که اعراب مبتنی بر دریافت معنا و فرع آن است و این به سبب ویژگی زبان عربی، به ویژه زبان قرآن و نظم دقیق و حساب شده آن است که در موارد بسیاری به آیات، قابلیت وجوه نحوی و اعرابی گوناگون می‌دهد و مطابق با هر ترکیب و تحلیل، معنایی متناسب برداشت می‌شود. لیکن ما بر این باوریم که معنا و اعراب لازم و ملزوم یکدیگر هستند و در هنگام رجوع به عبارت باید مزمان هر دو مد نظر قرار گیرد و فهم معنا به اعراب کمک می‌کند و اعراب در کشف معنا مفسر را یاری می‌رساند.

توجه به اعراب نزد دانشمندان مسلمان تا جایی فزونی یافت که اعراب قرآن به عنوان فنی مستقل در کتب ویژه جای گرفت، لیکن دانشمندی که به این فن شهرت یافتند همه در کارشان برابر نبودند، بلکه از جهات مختلف و با رویکردهای گوناگون، آثار از خود برجای گذاشتند. پس از رؤاسی بعضی مانند مکی بن ابی طالب القیسبی (م ۴۳۷ق) تنها به مُشْکَلِ اعراب قرآن پرداختند و بعضی مانند ابنُ الأَثیرِ صرفاً به جانب غریب قرآن متمایل گشتند و برخی مانند ابوالبقاء البُکَری (م ۶۱۶ق) در کتابش به نام "إملاء ما مرَّ به الرَّحْمَنُ"، اعراب کل قرآن را بررسی کردند. مگر مواردی که ذکر کار باشد، ابواسحاق رَجَاح (م ۳۱۱ق) در کتاب اعراب القرآن با تقسیمات خاص خود به اعراب قرآن پرداخته است و بعضی مانند فَرَّاء در کتاب "مَعَانِي الْقُرْآن" و ابن جَی (م ۳۹۲ق) در کتاب "مُحْتَسَب" و ابن فارس (م ۳۰۵ق) در کتاب "حِجَّة" و نَحَّاس (م ۳۲۸ق) در کتاب "إعراب القرآن" به گردآوری موارد دشوار اعراب پرداخته‌اند و دیگر کسانی که از قدما در اعراب القرآن، صاحب تألیف می‌باشند، عبارتند از: قُطْرُب (م ۱۰۶ق)، ابْنُ خَالَوَيْهِ (م ۲۴۸ق)، و أَبُو الْعَبَّاسِ الْمُصَرِّف (م ۲۸۶ق)، و أَبُو الْعَبَّاسِ ثَعْلَب (م ۲۹۱ق)، و أَبُو عَبْدِ اللَّهِ بْنِ خَالَوَيْهِ (م ۳۷۰ق)، و أَبُو زَكْرِيَا بُرَيْزِي (م ۵۰۲ق).

و نیز به دانشمندان دیگری می‌توان اشاره کرد که اعراب قرآن را در ضمن کتاب تفسیر خود مطرح کرده‌اند، مانند مُحَمَّد زَنْجَشَرِي (م ۵۳۸ق)، در کتاب "الكَشَاف"، و أَبُو حَيَّان الْأَنْدَلِسِي، در کتاب "بَحْرُ الْمُحِيط"، حسن طَبْرَسِي در کتاب "تَجْمَعُ الْبَيَان". و در میان کتاب‌های تألیف شده در موضوع اعراب قرآن دو کتاب "اعراب القرآن" رَجَاح و "مَعْنَى اللَّيْس" ابن هشام، در شیوه نگارش با دیگر کتب متفاوت است؛ این دو کتاب مبتکر بحث موضوعی در زمینه اعراب قرآن می‌باشد. در حالی که کتاب‌های گذشته در

واقع به تحلیل اعراب کلمات و آیات مشکل قرآن به ترتیب سُوره‌ها و آیات روی می‌آوردند و در میان مؤلفات معاصر، دو کتاب "إعراب القرآن و بَيَانُهُ" از محي الدّين درويش و "المُتَدَوِّلُ فِي إِعْرَابِ الْقُرْآنِ وَ صَرْفِهِ وَ بَيَانِهِ" از محمود صافي از شهرت بیشتری برخوردار است.

اولین بار در دهه شصت با تولید نرم افزار قرآنی کوثر، به اعراب قرآن روی آوردم و در دهه هفتاد تولید نرم افزار بزرگ اعراب القرآن را آغاز نمودم که در سال ۱۳۸۱ به نتیجه رسید و به همت شرکت سروش وابسته به صدا و سیمای مرکز اصفهان تکثیر و توزیع گردید. پس از اقبال عمومی به آن نرم افزار و دریافت نتایج و بازخوردها و آگاهی از نظرات کاربران محترم، به فکر اصلاح و به روز کردن آن برآمدم و از آنجا که بعضی خواهان ارائه اعراب قرآن به صورت کتاب بودند، کتاب: **المُسْتَعَانُ فِي إِعْرَابِ الْقُرْآنِ**، در پاسخ به این درخواست و به همه مشتاقان درک معانی بلند قرآن کریم تقدیم می‌گردد.

مشخصات این کتاب

در این اثر پژوهشی آموزشی، ویژه دانشگران علوم قرآنی و طلاب علوم دینی به ویژه طلاب جامعه الزهراء (سلام الله علیها) و مطابق با سراسر مسائل دشجوان گروه‌های زبان عربی و الهیات و علوم قرآنی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی تدوین گشته، تلاش شده است که اعراب کلمات با توجه به معانی الفاظ و عبارات صورت گیرد و با تکیه بر وجوه شایع و رایج در میان فصیحان عرب و قواعد دستوری از وجوه شاذ و نادر و اعراب‌های خلاف ظاهر و منافی با نظم کلام، درری گزیده شود و با پرهیز از کاربرد اصطلاحاتی که با شأن کتاب الهی ناسازگار است، در تبیین اعراب در چارچوب اصطلاحات و قواعد پذیرفته شده در صنعت صرف و نحو حرکت صورت پذیرد.

شایان ذکر است که در جای جای این تالیف، ضمن بیان اعراب، راجحه‌شهور و اصلی و مختار در متن، بعضی وجوه مُحْتَمَل و مُرْتَبَط دیگر نیز، به زبان فارسی در پاورقی برای دانشگران ذکر شده است و شرح اصطلاحات صرفی و نحوی و تعریف انواع جمله در خاتمه کتاب به دو زبان عربی و فارسی به صورت مختصر آورده شده است.

در این کتاب که شامل سوره‌های جزءهای ۱۵ و ۱۶ می‌باشد، روش مؤلف اعراب کل کلمات قرآنی است. بدین صورت که همه‌ی واژه‌های نورانی قرآن، اگر چه تکراری باشد از نظر صرفی و نحوی و همچنین همه عبارات هدایتگر از نظر نوع جمله، مورد بررسی قرار گرفته است. بنابر این، تحلیل صرفی و نحوی هر کلمه و یا نقش هر جمله به راحتی و با اطلاعات مشترک و برابر، در هر مایه در دسترس خواننده قرار گرفته است و از ارجاع به نمونه‌های مشابه قبلی خودداری شده است و برای هر واژه: اسم، فعل یا حرف، اطلاعات برابر

در کل آیات و با ترتیب مشخص و با حرکت گذاری کامل، برابر نمونه های زیر ارائه شده است و از آنجا که اسم و فعل دارای معنای مستقل است، این دو قبل از مشخصات صرفی و نحوی به زبان فارسی ترجمه شده است:

برای هر حرف، شش ویژگی صرفی و اگر حرف جر باشد هفت ویژگی به ترتیب زیر ارائه گردیده است:
 قَدْ: حرف، حرف تحقیق، غَيْرِ عَامِل، مَبْنِيٌّ، بِئَاوُهُ أَصْلِيٌّ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ.

عَلَى: حرف، حرف جر، مُتَعَلِّقٌ بِفِعْلِ قَبْلِهِ، عَامِل، مَبْنِيٌّ، بِئَاوُهُ أَصْلِيٌّ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ.
 برای اسم م. ب. ۱۰ نکته صرفی و ۳ نکته نحوی به ترتیب نمونه زیر ذکر شده است. اطلاعات صرفی و نحوی و نوع جمله، دو خط اریب: // از هم جدا گشته اند:

الْحَمْدُ: اِسْمٌ، جَامِدٌ، مَفْرُودٌ، مُدَكَّرٌ، ثَلَاثِيٌّ مُجَرَّدٌ، مُتَصَرِّفٌ، مُنْصَرِفٌ، ح م د، الْفِعْلُ، مُعَرَّبٌ. // مُبْتَدَأٌ، مَرْفُوعٌ بِالضَّمَّةِ.

برای اسم غیر عربی تنها ویژگی صرفی و برای اسم عدد معرب ۵ ویژگی صرفی و اسم عدد مبنی ۷ ویژگی صرفی و برای ظرف و اسم مبنی ۱ ویژگی صرفی نوشته می شود، مانند:

مُوسَى: اِسْمٌ، اِسْمٌ غَيْرِ عَرَبِيٍّ، مَفْرُودٌ، مُدَكَّرٌ، // مَفْعُولٌ بِهِ أَوَّلٌ، مُنْصَوِّبٌ بِالْفَتْحَةِ الْمُقَدَّرَةِ.
 أَلْفٌ: اِسْمٌ، اِسْمٌ عَدَدٌ، مَفْرُودٌ، مُدَكَّرٌ، مُعَرَّبٌ. // مَفْعُولٌ فِيهِ، مُنْصَوِّبٌ بِالْفَتْحَةِ.

تِسْعَةُ عَشْرَةَ: اِسْمٌ، اِسْمٌ عَدَدٌ، مَفْرُودٌ، مُؤَنَّثٌ، مَبْنِيٌّ، بِئَاوُهُ غَائِبٌ، مَبْنِيٌّ عَلَى الْفَتْحِ. // مُضَافٌ إِلَيْهِ، مُجَرَّرٌ تَحَالًا.

يَمِينٌ: اِسْمٌ، ظَرْفٌ، مُعَرَّبٌ. // مَفْعُولٌ فِيهِ، مُنْصَوِّبٌ بِالْفَتْحَةِ.

مَنْ: اِسْمٌ، اِسْمٌ شَرْطٌ جَاازِم، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ. // مُبْتَدَأٌ، مَرْفُوعٌ.

برای هر فعل مبنی: ماضی و امر حاضر، ۱۲ ویژگی صرفی و برای فعل معرب: مضارع و امر غائب، ۱۰ ویژگی صرفی به ترتیب زیر و مانند نمونه تقدیم شده است و نوع اعراب فعل مضارع نیز پس از بخش صرف مشخص شده است.

عَلِمَ: فِعْلٌ، فِعْلٌ مَاضٍ، لِلغَائِبِ ۱، ثَلَاثِيٌّ مُجَرَّدٌ، مُتَصَرِّفٌ، مُتَعَدٌ، مَعْلُومٌ، ع ل م، فِعْلٌ، مَبْنِيٌّ، بِئَاوُهُ أَصْلِيٌّ، مَبْنِيٌّ عَلَى الْفَتْحِ. // فَاعِلُهُ الْاِسْمُ الظَّاهِرُ.

كُلُّوا: فِعْلٌ، فِعْلٌ أَمْرٌ، لِلْمُخَاطَبِينَ ۹، ثَلَاثِيٌّ مُجَرَّدٌ، مُتَصَرِّفٌ، مُتَعَدٌ، مَعْلُومٌ، أَك ل، عَلُوٌّ، مَبْنِيٌّ، بِئَاوُهُ أَصْلِيٌّ، مَبْنِيٌّ عَلَى خَذْفِ التَّوْنِ. // فَاعِلُهُ الضَّمِيرُ الْبَارِزُ "و". // الْجُمْلَةُ: اِسْتِثْنَائِيَّةٌ، لَا تَحْتَلُّ لَهَا مِنَ الْإِعْرَابِ.

تَبَيَّنَ: فِعْلٌ، فِعْلٌ مُضَارِعٌ، لِلغَائِبَةِ ۴، ثَلَاثِيٌّ مُزِيدٌ: اِفْعَالٌ، مُتَصَرِّفٌ، مُتَعَدٌ، مَعْلُومٌ، ن ب ت، تَفْعِيلٌ، مُعَرَّبٌ. // مَرْفُوعٌ بِالضَّمَّةِ. // فَاعِلُهُ الْاِسْمُ الظَّاهِرُ.

لِيَصُومَ: فعل، فعل أمر، لِلْغَائِبِ ۱، ثَلَاثِي مُجَزَّد، مُنْصَرَف، مُتَعَدِّ، مَعْلُوم، ص و م، يُقْل، مُعَرَّب. // بِخَزْوَ
بِالسُّكُون. // فَاعِلُهُ ضَمِيرٌ مُسْتَرٌّ جَوَازًا تَقْدِيرُهُ "هُوَ". // الْجُمْلَةُ: فِي تَحَلٍّ الْجَزْمِ، جَوَابُ الشَّرْطِ.

در ترجمه اسم و فعل تلاش شده است معنای واژه بدون توجه به ماقبل و مابعد آن و سیاق آیه موردنظر، ارائه گردد، از این روی به عنوان مثال حرف نفی تأثیری در ترجمه نداشته و فعل‌های منفی، مثبت معنا شده است.

همان‌گونه که در نمونه‌های بالا مشاهده شد، مرفوع هر فعل یعنی نوع فاعل یا نائب فاعل در فعل‌های تام و نوع اسم در فعل‌های ناقص، با یکی از گزینه‌های: ضمیر مستتر، ضمیر بارز، اسم ظاهر و یا مصدر مؤول در محل خرد فعل مشخص شده است.

نوع جمله، چه ضغری و چه گبری و چه جمله‌هایی که محلی از اعراب دارند و چه جمله‌هایی که محلی از اعراب ندارند، مقابلاً فعل آن مرفوعش ضمیر است و یا در مقابل فاعل، نائب فاعل، خبر و یا معمول‌هایی مانند مفعول به، مفعول چه، مفعول مطلق که فعل آن‌ها محذوف است معین می‌گردد. مانند این جمله استیبه که خبر آن خود جمله‌ای دیگر است:

هُمْ: اِسْمٌ، ضَمِيرٌ مُنْفَصِلٌ مَرْفُوعٌ، مَبْرُورٌ عَنِ السُّكُونِ. // مُبْتَدَأٌ، مَرْفُوعٌ تَحَلٍّ.
يُوقْتُونَ: فِعْلٌ، فِعْلٌ مُضَارِعٌ، لِلْغَائِبِينَ، مَبْرُورٌ عَنِ السُّكُونِ. // نَائِبٌ، مُنْصَرَفٌ، مُتَعَدِّ بِحَرْفِ الْجَزْمِ. // مَعْلُومٌ، يَ ق
ن، يُفَعِّلُونَ، مُعَرَّبٌ. // مَرْفُوعٌ بِالنُّونِ. // فَاعِلُهُ الضَّمَّةُ بَارِزٌ "و". // الْجُمْلَةُ: فِي تَحَلٍّ الرَّفْعِ، خَيْرٌ. الْجُمْلَةُ الْكُفْرِي:
مَعْطُوفَةٌ، لَا تَحَلُّ لَهَا مِنَ الْإِعْرَابِ.

امید است این خدمت قرآنی جدید، که برگرفته از طرح پژوهشی مصوب دانشگاه اصفهان به شماره ۹۲۱۱۱۱۱۸، و در سایت: etabdar.info/earabolquran قابل دسترسی است، کمکی در فهم و تدبیر کلام الهی و آشنایی با معارف قرآنی و رهگشای زندگی دانش‌پژوهان عقیقی باشد.

و اللَّهُ الْمُسْتَعَانُ

دانشیار گروه عربی دانشگاه اصفهان